

از «کیهان» جریان‌ساز تا «کیهان» ناخوش نوا!

علی تفکری

عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران



دو روزنامه «کیهان» و «اطلاعات» که پیش از پیروزی انقلاب بر پایه مناسبات رژیم پیشین شکل گرفته بودند، در جریان انقلاب به دو رسانه پیشتاز و جریان‌ساز بدل شدند. در این میان، کیهان به دلایل رویکرد چپ (به مفهوم مصطلح آن دوران)، در عرصه روابط اجتماعی ایران موثرتر بود. مضاف بر این‌که در ماه‌های پایانی رژیم گذشته، با خروج «مصباح‌زاده» از کیهان، اعضای تحریریه با حکومت، مرزبندی مشخصی پیدا کردند و عملاً اداره این روزنامه در اختیار نیروهای موثر و تحول‌خواه قرار گرفت. پس از انقلاب، موسسه کیهان مدتی در اختیار بنیاد مستضعفان و مشخصاً «حاج‌حسین مهدیان» قرار گرفت و در زمان دولت موقت، با سرپرستی «ابراهیم یزدی» و «سید محمد اصغری» اداره شد؛ اما با انتصاب «سید محمد خاتمی»، بعنوان مدیرمسئول کیهان، از جانب رهبر انقلاب، این روزنامه بعنوان رسانه رسمی حکومت معنا یافت. در آن زمان کیهان، مروج اندیشه‌های سیاسی رهبر انقلاب بود و در صورت همسویی دولت با این اندیشه‌ها، نقش حمایتی و در غیر این صورت، نقش منتقدانه ایفا می‌کرد. مثلاً در فقره اختلاف نظر رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت، موضع کیهان دفاع از جریان چپ سیاسی آن دوران بود. با استعفای «سید محمد خاتمی» از مدیرمسئولی کیهان، این روزنامه مدتی توسط «مهدی نصیری» اداره شد. با آمدن «حسین شریعتمداری»، افرادی نظیر نصیری، شمس‌الواعظین، عطریانفر و بعدها خانیکی، تهرانی و ... از بدنه کیهان جدا شده و برخی از آن‌ها «کیهان فرهنگی» را راه‌اندازی کردند. هرچند بعد از مدتی کیهان فرهنگی نیز تاب آورده نشد و امثال شمس‌الواعظین با راه‌اندازی مجله «کیان»، پایه‌گذار جریان فرهنگی تازه‌ای شدند؛ اما انتشار کیان نیز

دیری نپایید. بی تردید با حضور حسین شریعتمداری در مؤسسه کیهان فصل تازه‌ای در حرفه‌ی روزنامه‌نگاری کشور گشوده شد! اکنون بیش از سه دهه است که «روزنامه کیهان» با مدیر مسئولی حسین شریعتمداری، تبدیل به یک دستگاه نفرت‌پراکنی و ابزاری برای حمله به مخالفان خود شده است و در این میان از متهم نمودن افراد حقیقی و حقوقی نیز هیچ ابایی ندارد. این روزنامه که با اظهارنظرهای جنجالی و جهت‌گیرانه‌ی گاه و بی‌گاهِ مدیرمسئول خود، مصالح و منافع ملی را در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ همواره می‌کوشد تا با تحلیل‌های سوگرایانه و تخیلی، آرزوهای خود را به نام اکثریت و ملت ترسیم نماید! هرچند شریعتمداری در تازه‌ترین اظهارنظر وقیحانه‌ای، در دفاع از خدمات دولت «ابراهیم رئیسی»! همین ملت را مبتلایان به «سندروم کوری» خوانده است! حال آن‌که کوریِ این «مطبوعه‌ی نامطبوع» یا به عبارتی نادیده انگاشتن و وارونه نمودن واقعیت‌ها، این بیت مولانا از دفتر دوم مثنوی را تداعی می‌کند:

گفت:

زشت آوازم و ناخوش نوا

زشت آوازی و کوری شد دو تا

#اختصاصی سخن مع □□